الرایة

نسخهٔ فارسی

روزنامه سیاسی هفتگی

چهارشنبه ۲۳ ربیع الاخر ۱۴۴۷ ه.ق ، ۱۵ اکتبر ۲۰۲۵ م ، ۲۳ مهر ۱۴۰۴ ه.ش

پیشوایی که هرگز به پیروانش دروغ نمی گوید

شماره : ۵۶۹ تعداد صفحه : ۴

دعـوتی صادقانـه بـه همـه مسـلمانان بـرای اینکـه حاکمـان عامـل و مـزدوران خـود را تـرک گوینـد و روی خـود را بـه سـوی خلافـت راشـده دوم بـر منهـج نبـوت گردانـند و بـرای برپـایی آن بـا بـرادران خـود از جوانـان حزب‌التحریـر کـه شـب و روز خـود را در تلاش بـرای اقامـه آن بـه هـم پیونـد می‌دهنـد، همـکاری کننـد؛ اینـان در حـال عمـل بـرای اسـتجابت فرمـان الله سـبحانه‌وتعالی هسـتند و در راه برپـایی آن بـر منهـاج رسـول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسـلم گام برمی‌دارنـد؛ نـه پـاداشی می‌خواهنـد و نـه سـپاسی، بلکـه تنهـا رضایـت الله سـبحانه‌وتعالی را می‌جوینـد و در ایـن امـر اسـت کـه بایـد رقابت‌کننـدگان رقابـت کننـد.

در این شماره می خوانید :

نشست سران سازمان همکاری شانگهای ۲۰۲۵؛ نتایج و دستاوردها...۲

سینای مصر؛ میان امنیتِ مصر و طمعِ رژیم یهود!...۲

صنعت ناامیدی و دلسردی میان مسلمانان...۳

پشت پرده تهدید ترامپ به بازیس‌گیری پایگاه بگرام چیست؟...۴

دلار و سیاست پولی آمریکا؛ میان سلطه گذشته و چالش‌های آینده...۴

مقاله برگزیده

رزمایش‌های نظامی برای توسعه نیروهای ما یا برای نفوذ در آن‌ها؟!

استاد محمد عبدالله

رایج شده است که بشنویم بین ارتش‌های مسلمان و غرب رزمایش‌های نظامی برگزار می‌شود. از جمله، از آوریل تا مه ۲۰۲۵ رزمایش «شیر آفریقایی» در مراکش برگزار شد. این یک مانور سالانه مشترک بین ارتش‌های آمریکا و مراکش است که از سال ۲۰۰۴ آغازشده و بزرگ‌ترین از نوع خود در قاره آفریقا بشمار می‌آید و در نسخه امسال آن بیش از ۱۰ هزار سرباز از بیش از ۵۰ کشور شرکت داشتند که در میان آن‌ها هفت کشور عضو ناتو و نیز «رژیم یهود» حضور داشتند.

تقریباً در همان بازه زمانی، از ۳۱ مارس تا ۱۱ آوریل ۲۰۲۵ رزمایش هوایی «اِنیوکوس» در یونان برگزار شد؛ این رزمایش سالانه توسط نیروی هوایی یونان هدایت می‌شود و هدفش آموزش نیروهای هوایی شرکت‌کننده در عملیات هوایی مشترک و انجام مأموریت‌های متنوع در محیطی واقعی رزمی است. در این رزمایش قطر و امارات در کنار ایالات‌متحده و «رژیم یهود» و نیز فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، هند و دیگر کشورها شرکت داشتند.

همچنین اخیراً از ۲۸ اوت تا ۱۰ سپتامبر ۲۰۲۵ رزمایش«ستاره درخشان» بین مصر و ایالات‌متحده برگزار شد. این رزمایش با حضور رسمی یا ناظر ۴۴ کشور تقریباً هر دو سال یک‌بار برگزار می‌شود؛ برخی منابع گزارش داده‌اند که شمار سربازان شرکت‌کننده در آن تا ۸۰۰۰ نفر بوده است. این رزمایش‌ها شامل آموزش‌های میدانی، عملیات فرود هوایی، تمرین‌های دریایی، مبارزه با تروریسم، امداد پزشکی (تخلیه هوایی)، تأمین بندرها، تمرین‌های رهبری و تمرین‌های مشترک نیروی هوایی و زمینی بود و در اجرای مانورهای میدانی فرماندهان ارشد نظامیِ مصری نیز حضور و نظارت داشتند.

پرسش: مقصود از چنین رزمایش‌هایی چیست؟

بی‌شک هر آموزشی مفید است؛ بنابراین آموزش، توانایی‌های نظامی و تجربه رزمی نیروها را می‌افزاید و برخورد و مراوده با ارتش‌های پیشرفته به آن‌ها تصویری از سطح پیشرفت آن نیروها می‌دهد؛ اما آیا معقول است که ایالات‌متحده، بریتانیا، فرانسه و «رژیم یهود» واقعاً هدفشان ارتقای قابلیت‌های رزمی ارتش‌های ممالک اسلامی باشد؟! اخیراً همه شنیده‌اند که نماینده آمریکا در شام، تام باراک، آشکارا گفته است که مسلح کردن ارتش لبنان صرفاً برای مقابله با «حزب ایران» در لبنان است؛ و نیز شنیدیم که هواپیماهای آمریکایی دارای کدهایی‌اند که اجازه به‌کارگیری‌شان تنها با موافقت آمریکا ممکن است. آنچه درباره هواپیما صادق است، بی‌تردید درباره سامانه‌های موشکی و دیگر سلاح‌ها نیز صدق می‌کند. نیز دیدیم چگونه جنگنده‌های «رژیم یهود» دوحه، پایتخت قطر را بمباران کردند بدون اینکه پدافند هوایی قطر آن‌ها را رهگیری کند؛ و نخست‌وزیر قطر تصریح کرد که نتوانسته هواپیماهای مهاجم را کشف کند؛ بنابراین عاقلانه نیست کسی باور کند که آمریکا و «دولت یهود» مشتاق افزایش کارایی و آمادگی نظامی ارتش‌های عربی‌اند.

پس هدف این رزمایش‌ها چیست؟

با بررسی دقیق مشخص می‌شود این رزمایش‌ها دو هدف اصلی دارند: هدف اول تجاری است؛ تبلیغ تسلیحات و نمایش میدانی و کارآیی آن‌ها به‌عنوان پیش‌درآمدی برای قراردادهای فروش؛ و هدف دوم و خطرناک‌تر؛ نفوذ و ایجاد پیوندهاست. مشارکت در این رزمایش‌ها زنجیره رهبری واقعی و عملیاتی و سازمان‌دهی اداری ارتش‌ها را برای همگان آشکار می‌سازد؛ نحوه عمل و چگونگی انتقال دستورات، همچنین افشای توانمندی‌ها و مهارت رزمندگان، سطح آموزش‌شان، طبیعت و نوع تجهیزات و

ادامه صفحه ۳

قطعاً از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که آزادیِ غزه و نابودی رژیم یهود به دست رزمندگان اسلام صورت نگیرد و بلکه صرفاً آزادسازی‌ای حاشیه‌ای؛ تحتِ نقشه ترامپ و به خاطر خیانتِ برخی حاکمان مسلمان به‌وقوع بپیوندد

عالم گرانقدر عطا بن خلیل ابوالرشته

نظام مصر اعلام کرده جشن اجرای طرح ترامپ در غزه را برگزار خواهد کرد و السیسی، رئیس‌جمهور مصر، از رئیس‌جمهور آمریکا برای حضور در این جشن دعوت کرده است، چون او را صاحب «طرح غزه» خوانده‌اند:

«رئیس‌جمهور آمریکا دونالد ترامپ روز پنج‌شنبه گفت که گروگان‌های باقیمانده در دست جنبش حماس از نوار غزه روز دوشنبه یا سه‌شنبه هفته آینده آزاد خواهند شد و او همچنان درصدد است که برای جشن این مناسبت به منطقه سفر کند»... (ذکر این نکته ضروری است که رئیس‌جمهور مصر السیسی دعوتی به ترامپ فرستاده تا در مراسمی که به‌مناسبت امضای توافق در مصر برگزار می‌شود شرکت کند، زیرا آن را توافقی تاریخی دانسته‌اند که تلاش‌های مشترک مصر و ایالات‌متحده و میانجی‌ها را در دوره گذشته می‌ستاید). سی‌ان‌ان عربی، ۲۰۲۵/۱۰/۹.

اما بر چه چیزی جشن می‌گیرند و به چه دلیل برای ترامپ دست می‌زنند درحالی‌که او حامی اصلی «رژیم یهود» در نابود کردن خانه‌ها و درختان غزه است؟!

بر چه مناسبت جشن می‌گیرند درحالی‌که بند نهم طرح این‌چنین مقرر می‌دارد: «غزه تحت حکمرانی یک اقتدار انتقالی موقت قرار خواهد گرفت که متشکل از یک کمیته فلسطینی تکنوکرات و غیرسیاسی است که مسئول اداره خدمات عمومی و امور شهرداری روزمره ساکنان غزه خواهد بود. این کمیته از فلسطینیان واجد شرایط و کارشناسان بین‌المللی تشکیل می‌شود، زیر نظارت و کنترل یک مرجع انتقالی بین‌المللی جدید به نام «شورای صلح» که ریاست آن را رئیس دونالد ترامپ برعهده خواهد داشت، به‌همراه سایر اعضا و رؤسای دولت‌هایی که بعدها معرفی خواهند شد، از جمله نخست‌وزیر پیشین بریتانیا تونی بلر»؟!

بر چه مناسبت جشن می‌گیرند، درحالی‌که در بند سیزدهم طرح آمده: «تمام زیرساخت‌های نظامی، تروریستی و هجومی، از جمله تونل‌ها و تأسیسات تولید سلاح، نابود خواهند شد و بازسازی نخواهند شد. فرایندی برای خلع سلاح غزه تحت نظارت ناظران مستقل صورت خواهد گرفت که شامل خارج‌کردن دائمی سلاح‌ها از چرخه خواهد بود، از طریق فرایندی توافق‌شده برای خلع سلاح که با برنامه‌ای بین‌المللی برای بازخرید و بازتلفیق (بازگرداندن افراد به جامعه) حمایت مالی می‌شود و همه این موارد از سوی ناظران مستقل تأیید خواهد شد»؟!

برای چه جشن می‌گیرند وقتی ارتش «رژیم یهود» پس از خروج ظاهری، همچنان کنترل حدوداً ۵۳٪ از مساحت نوار غزه را در اختیار خواهد داشت: «پس از تکمیل خروج، ارتش اسرائیل همچنان بیش از نیمی از مساحت نوار غزه، تقریباً به میزان ۵۳ درصد را در کنترل خواهد داشت. این مناطق شامل: منطقه حائل امنیتی در طول مرز با غزه، از جمله گذرگاه فیلادفیا (مرز میان مصر و غزه)، به‌علاوه بیت حانون و بیت لاهیا درشمال دوردست نوار و بلندی‌هایی در حاشیه شرقی شهر غزه و بخش‌های وسیعی از رفح و خان یونس در جنوب نوار». الشرق الأوسط، ۲۰۲۵/۱۰/۱۰؟!

بر چه چیز جشن می‌گیرند، درحالی‌که عقب‌نشینی تا خط زرد خواهد بود و آن در داخل نوار غزه قرار دارد: (خط زرد خطِ عقب‌نشینی تعیین‌شده برای ارتش اسرائیل بر طبق توافق است و گرچه خط زرد چندین کیلومتر از مرز دولتِ اشغالگر با نوار غزه فاصله دارد، بسیاری از مواضعِ کنونیِ ارتش اسرائیل هم‌اکنون در فاصله یک کیلومتر تا یکونیم کیلومتری مرز قرار دارند. العربي الجديد، ۲۰۲۵/۱۰/۱۱)؟!

بر چه چیز جشن می‌گیرند درحالی‌که اهل غزه از اینجا به آنجا نقل مکان می‌کنند و شهدای خود را اعم از مردان و زنان و کودکان از دست داده‌اند؛ و هنگامی‌که به خانه‌هایشان بازمی‌گردند، آن‌ها را ویران می‌یابند که نه ساکنی از اهلشان را پناه می‌دهد و نه حتی یک آواره را؟

بر چه چیز جشن می‌گیرند درحالی‌که مرکز هماهنگی مدنی نظامی برای نوار غزه تحت رهبری فرماندهی مرکزی آمریکا برقرار می‌شود: (شبکه سی‌ان‌ان روز جمعه از قول یک مقام آمریکایی نقل کرد که نیروهای آمریکایی در چارچوب تلاش‌ها برای ایجاد مرکز هماهنگی مدنی نظامی برای نظارت بر اجرای توافق آتش‌بس به «اسرائیل» رسیده‌اند و آن مقام گفته است که این نیروها «تلاش‌ها برای برپایی حکومت مدنی در نوار غزه» را زیر نظر خواهند داشت. الشرق الأوسط، ۲۰۲۵/۱۰/۱۱)؟!

آیا برای این است که جشن می‌گیرند؟ و شتابان دعوت..

ادامه صفحه ۳

ای ارتش‌ها در بلادِ مسلمان، آیا در میانِ شما مردی خردمند نیست که شوقِ یکی از دو نیکی را دارد؟!

آیا در میان شما مردی خردمند نیست که خون در رگ‌هایش به جوش می‌آید وقتی جنایاتِ رژیم غاصب را می‌بیند که در غزه خانه‌ها را ویران می‌کنند و به‌طرز هولناک و بزدلانه‌ای پیر و کودک و زن را به خون می‌کشند؟! آیا مردی خردمند نیست در میان شما که خون در رگ‌هایش به جوش آید وقتی می‌بیند مردم از جایی به جایی منتقل می‌شوند و پرتاب‌کننده‌های دشمن در رفت‌وآمدشان بر ایشان بمب می‌ریزند؟!

آیا در میان شما مردی خردمند نیست که دریابد اطاعت حکام در خواری از تجاوز یهود و در خودداری از پاسخ دادن به آن، این اطاعت در دنیا رسوایی است و در آخرت عذابی دردناک؟ حتی کسانی که در گناه از آنان فرمان می‌برند در روز قیامت از ایشان تبرّا می‌کنند، پس پیروان نسبت به پیروی از آنان در گناه پشیمان‌شده و سودی نخواهند برد: «إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتُّبِعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوُا الْعَذَابَ وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ * وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ» «در آن هنگام که رهبران از پیروان خود بیزاری می‌جویند و عذاب را مشاهده می‌نمایند و گسیخته می‌گردد * و پیروان می‌گویند: کاش بازگشتی می‌داشتیم تا از آنان بیزاری جوئیم، همان‌گونه که آنان از ما بیزاری جستند این چنین خداوند کردارهایشان را به گونه‌ی حسرت‌زا و اندوهباری نشان ایشان می‌دهد و آنان هرگز از آتش بیرون نخواهند آمد».

آیا مردی خردمند در میان شما نیست که شوق یکی از دو نیکی (فتح یا شهادت) را دارد، پس سپاه اسلام را رهبری کند، غزه هاشم و نخستین دو قبله و سومین حرم‌ها را آزاد سازد و تکبیرهای پیروزی همان‌گونه در فضای او طنین‌انداز شود که در روز فتح ابا فَارُوق عمر رضی‌الله‌عنه و در روز بازپس‌گیری بیت‌المقدس بن صلاح‌الدین ایوبی رحمه‌الله و در زمان عبدالحمید هنگام حفظ سرزمین مبارک از شرِّ یهود طنین‌انداز شد و سپس مژدهٔ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که «قطعاً با یهود خواهید جنگید و آن‌ها را خواهید کشت»؟! (صحیح مسلم)

بخشی از نشریه‌ای که امیرِ حزب‌التحریرِ عالم گرانقدر، عطا بن خلیل ابوالرشته، انتشار داده است

طرحِ ترامپ سم مرگبار

بیانیه‌ای که دفتر مطبوعات حزب‌التحریر در سرزمین مبارک (فلسطین) درباره طرح رئیس‌جمهور آمریکا «ترامپ» برای توقف جنگ بر غزه صادر کرد، این‌گونه بیان نمود: تسلیم و خلع سلاح، بازپس‌گیری اسیران و پیکرشهدا و اشغالی که آمریکا آن را رهبری می‌کند و ترامپ بنام «شورای صلح» ریاستش را برعهده می‌گیرد و آن را به کینه‌توز نسبت به اسلام، تونی بلر می‌سپارد و اجراکنندگان آن نظام‌های منطقه‌اند؛ این‌ها خطوط کلی طرح جدید ترامپ است که او آن را اعلام کرد و از سران برخی کشورهای عربی و اسلامی و هم‌پیمانانش در اروپا برای پذیرش آن تشکر نمود و اظهار داشت که سران منطقه به‌طور کامل در طرح صلح مشارکت دارند.

بیانیه افزود: غزه‌ای که ضربه‌ای سهمگین بر پیکر رژیم اشغالگر وارد ساخت و آشکار کرد آن رژیم شکننده است و برای فروپاشی‌اش تنها اراده‌ای لازم بود؛ اما چون آن رژیم برای بازسازی هیبت از دست‌رفته‌اش همه توان خود را نثار مردم غزه کرد و آمریکا و دیگر کشورهای غربی سلاح‌های مرگبار در اختیارش نهادند و حکام برخی کشورهای مسلمان با تدارکات، محاصره و پشتیبانی‌های دیگر او را یاری رساندند تا آن هیبت «ظاهری» را بازآرایی کنند، غزه عملاً ویران شد یا تا آستانه نابودی پیش رفت و مردمش در محاصره‌ای بی‌سابقه قرار گرفتند. با وجود این فشارها، آن رژیم در رسیدن به پیروزی کامل بر آن ناحیه محصور ناکام ماند؛ تا اینکه نقشه ترامپ پدید آمد تا بر اساس آن، آن رژیم تحقیرشده بتواند خسارت دو ساله را جبران کند و در اجرای این نقشه حکام منطقه‌ای نقش‌آفرین شدند. پس از دو سال غفلت و رهاکردن غزه، نتیجه می‌تواند این باشد که غزه بدون مقاومت کافی و حتی به‌قیمت هزینه‌های سنگین مادی و انسانی امت و نیروهای مقاومت، متأثر از این طرح‌ها به وضعیتی تحویل شود که عملاً «دستِ خارجی‌ها» در آن تحکم یابد.

بیانیه افزوده است: پذیرش طرح ترامپ جرمی است که بار آن بر دوش حکام خواهد ماند و نیز بار و مسئولیتی است که امت اسلام را از آن نجاتی نیست مگر آن‌که بر آن‌ها خشم آورده و جنایاتِ آنان را انکار کنند.

سپس تصریح کرده است که این گناه بر جُبنِ ارتش‌های امت نیز سنگینی می‌کند که از انجام واجب خود تأخر نموده‌اند و اگر آن ارتش‌ها از جوانمردی غزه الهام می‌گرفتند و آنچه در آزادسازی بیت‌المقدس از دست داده‌اند جبران می‌کردند و اگر به ندای کمک غزه و اطراف آن پاسخ می‌دادند، هرگز ترامپ برای طرحش جایگاهی نمی‌یافت و حتی خواب یک وجب خاک غزه هاشم را هم نمی‌دید.

بیانیه افزوده است: فرصت هنوز به‌کلی از دست نرفته گرچه دیرشده باشد؛ زیرا غزه با مردان و زنانش و پیران و جوانانش و مساجد و مناره‌هایش از ارتش‌ها استغاثه می‌کند تا با حرکت خود بیت‌المقدس را آزاد کنند و مانع حکام شوند تا از جمجمه‌ها و استخوان‌های غزه برای عادی‌سازی روابط و قراردادهای ابراهیمی دستاوردی نسازند و مسجدالاقصی و زمین مبارک را آن‌گونه که عزیز و نیرومند بود بازگردانند و حتی بیت‌المقدس را به جایگاه رهبری اسلام بدل کنند.

بیانیه در پایان مؤمنان را به آیه‌ای از قرآن فراخواند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ * فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسَارِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ نَخْشَى أَنْ تُصِيبَنَا دَائِرَةٌ فَعَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ مِنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَى مَا أَسَرُّوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! یهود و نصاری را ولی و سرپرست خود مگیرید؛ برخی از آنان ولیِ برخی‌اند و هر که از شما به آن‌ها تولی جوید، از آنان است؛ بی‌تردید الله سبحانه‌وتعالی قوم ستمگر را هدایت نمی‌کند * و آنگاه کسانی را خواهی دید که در دل‌هایشان بیماری است، در تولی برای آنان شتاب می‌کنند و می‌گویند: بیم آن داریم که دایره‌ای ما را دربرگیرد! باشد که الله سبحانه‌وتعالی فتحی یا امری از جانب خود آورد و آنان بر آنچه در باطنِ خود پنهان داشتند افسوس خواهند خورد».

نظرات سیاسی

نشست سران سازمان همکاری شانگهای ۲۰۲۵؛ نتایج و دستاوردها

استاد محمد سلجوق_ ولایت پاکستان

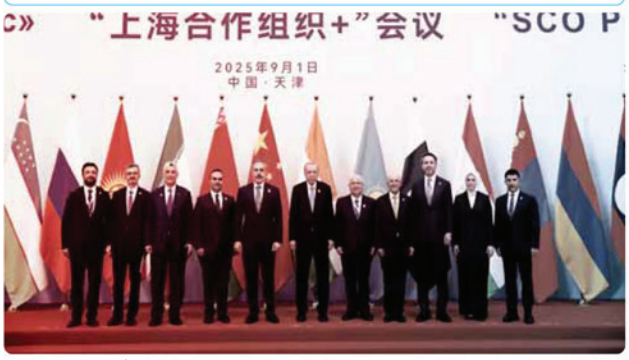

در نخستین هفته سپتامبر ۲۰۲۵ سلسله‌ای از رویدادهای مهم دیپلماتیک در چین برگزار شد. در تاریخ یکم سپتامبر، شهر تیانجین در شمال چین میزبان بیست‌وپنجمین نشست «شورای سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای» بود. پس از آن، نشستی با عنوان «شانگهای پلاس» و با شعار «تبدیل چندجانبه‌گرایی به اقدام، تضمین امنیت منطقه‌ای و تقویت توسعه پایدار» برگزار گردید. ریاست هر دو نشست را «شی جین‌پینگ»، رئیس‌جمهور چین، بر عهده داشت. در سوم سپتامبر نیز در پکن رژه نظامی باشکوهی برگزار شد که بزرگ‌ترین از نوع خود در شش سال اخیر بود و به مناسبت هشتادمین سالگرد پیروزی بر امپراتوری ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم برپا گردید.

در «بیانیه تیانجین ۲۰۲۵» که در پایان نشست سران صادر شد، نگرانی عمیقی از تنش‌های ژئوپولیتیکی و ژئواکونومیکی ناشی از سیاست‌های ایالات‌متحده ابراز گردید. در متن بیانیه آمده است: «تقابل‌های ژئوپولیتیکی رو به افزایش است و این امر تهدیدی برای امنیت و ثبات جهانی و منطقه سازمان همکاری شانگهای به‌شمار می‌آید. اقتصاد جهانی، به‌ویژه تجارت بین‌الملل و بازارهای مالی، با شوک‌های شدید مواجه است». در واکنش به سیاست‌های نظامی‌گرایانه و انتلافسازی‌های آمریکا علیه چین و متحدانش، بیانیه تأکید کرد: «اعضای سازمان بار دیگر مخالفت خود را با رویکردهای تفرقه‌انگیز و مبتنی بر ائتلاف در حل مسائل منطقه‌ای و جهانی اعلام می‌کنند... و تصریح می‌نمایند که همکاری در چارچوب سازمان همکاری شانگهای، پایه‌ای برای ساختار امنیتی برابر و غیرقابل تجزیه در اوراسیا خواهد بود».

در نشست «شانگهای پلاس»، رئیس‌جمهور چین چشم‌انداز کشورش را از نظام جهانی «باثبات و صلح‌آمیز» ارائه کرد و ابتکاری جدید با عنوان «ابتکار حکمرانی جهانی» را مطرح نمود؛ طرحی که از دید پکن جایگزینی است برای سیاست‌های بلوکی و ذهنیت جنگ سردی آمریکا. این ابتکار بر سه ستون استوار است: تأکید بر محوریت سازمان ملل و پایبندی به حقوق بین‌الملل، هماهنگی اقدامات جهانی از طریق سازمان همکاری شانگهای، جایگزینی چندجانبه‌گرایی به‌جای یک‌جانبه‌گرایی قدرت‌های بزرگ.

در این نشست رهبران کشورهای عضو، کشور ناظر «مغولستان» و کشورهای شریک گفت‌وگو از جمله: جمهوری آذربایجان، ارمنستان، کامبوج، مالدیو، میانمار، نپال، ترکیه، مصر و همچنین نمایندگان کشورهای مهمان شامل ترکمنستان، اندونزی، لائوس، مالزی و ویتنام حضور داشتند. افزون بر آنان، روسای نهادهای بین‌المللی همچون سازمان ملل متحد، سازمان همکاری شانگهای، اتحادیه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع، اتحادیه کشورهای جنوب شرق آسیا (آسه‌آن)، سازمان پیمان امنیت جمعی، اتحادیه اقتصادی اوراسیا، اجلاس تعامل و اعتمادسازی در آسیا، سازمان همکاری اقتصادی و بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت‌های آسیا نیز در این رویداد شرکت کردند.

اما رویداد سوم و پایانی در پکن، رژه‌ی نظامی «پیروزی» بود که به مناسبت هشتادمین سالگرد پیروزی بر امپراتوری ژاپن و پایان جنگ جهانی دوم برگزار شد. برخلاف رژه‌های نظامی متداول که معمولا در سالگردهای دهساله برگزار می‌شود، این رژه چهارمین رژه بزرگ تحت نظارت «شی جین‌پینگ» پس از سال‌های ۲۰۱۵، ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ بود و بزرگ‌ترین نمایش در تاریخ حزب کمونیست چین به شمار می‌رفت. چین در این مراسم از زرادخانه‌ی عظیمی از سلاح‌ها، از جمله موشک‌های هسته‌ای دوربرد، پرده برداشت. این رژه نه تنها یادآور دستاوردهای گذشته چین بود، بلکه پیامی روشن درباره مسیر آینده کشور در زمینه نوسازی و توسعه نظامی محسوب می‌شد.

در سوی دیگر، رئیس‌جمهور آمریکا، «دونالد ترامپ»، با شتاب درصدد کم‌اهمیت جلوه‌دادن این رژه و تهدید محور چین‌روسیه برآمد و گفت: «ما نیرومندترین ارتش جهان را داریم و با فاصله‌ای بسیار زیاد. آن‌ها هرگز جرأت نخواهند کرد از قدرت نظامی خود علیه ما استفاده کنند، زیرا این بدترین کاری است که ممکن است انجام دهند». ترامپ تهدید چین را چندان جدی نگرفت، زیرا به‌خوبی می‌دانست که پکن در حال حاضر اراده سیاسی لازم برای رویارویی نظامی با آمریکا را ندارد.

با وجود آنکه چین از طریق نشست سازمان همکاری شانگهای و رژه نظامی، پیام‌های سیاسی و نظامی نیرومندی ارسال کرد، اما هنوز با چالش‌های بزرگی در مسیر کنارزدن آمریکا از جایگاه قدرت مسلط روبه‌رو است. با اینکه در دو دهه گذشته پیشرفت‌های عظیمی در حوزه‌های اقتصادی و نظامی داشته، اما تمایلی به مقابله با نظام لیبرالی تحت رهبری آمریکا ندارد و هنوز نتوانسته است قدرت اقتصادی خود را به نفوذی سیاسی بدل کند که پایه‌های اقتدار آمریکا را به لرزه اندازد. چین همچنان قدرتی عمل‌گرایانه است که جریان‌های اصلاح‌طلب و اقتصادی درون حزب کمونیست بر آن غلبه دارند و اولویت را به تفاهم و همکاری با آمریکا می‌دهند، برخلاف گرایش مانوئیستی تندرو. پکن از قدرت سخت خود تنها در موقعیت‌های تدافعی یا واکنشی استفاده می‌کند، آنگاه که واشنگتن آشکارا خطوط قرمز آن را نقض کند؛ همانند پرونده‌های تایوان و دریای چین جنوبی.

در سال‌های گذشته نیز مواضع رسمی رهبران چین بارها بر تمایل پکن به همکاری با واشنگتن برای تحقق نتایج «عادلانه و متوازن برای دو طرف» تأکید کرده است. به‌عنوان نمونه، در بیانیه وزارت خارجه چین درباره گفت‌وگوی تلفنی رؤسای دو کشور آمده بود: «رئیس‌جمهور شی بر اهمیت حیاتی روابط چین و آمریکا تأکید کرد. چین و ایالات‌متحده کاملاً قادرند به‌نفع دو کشور و تمام جهان یکدیگر را در مسیر موفقیت و شکوفایی یاری دهند. برای تحقق این چشم‌انداز، دو طرف باید در جهت احترام متقابل، همزیستی مسالمت‌آمیز و همکاری سودمند دوجانبه گام بردارند. مشورت‌های اخیر میان مقامات چینی و آمریکایی بازتابی از روح برابری، احترام و منافع متقابل بوده است».

افزون بر این، چین از تبدیل سازمان همکاری شانگهای به «ناتوی آسیایی» پرهیز کرده است؛ زیرا دستورکار امنیتی این سازمان صرفاً بر مبارزه با تروریسم و جدایی‌طلبی متمرکز است که آن را نهادی با گرایش درون‌منطقه‌ای می‌سازد. افزون بر آن، بیشتر اعضای این سازمان متحدان یا شرکای راهبردی آمریکا هستند و با سیاست‌های واشنگتن هم‌سویی دارند؛ امری که مانع از آن می‌شود شانگهای به بلوکی ضدآمریکایی بدل گردد، حتی اگر چین در آینده بخواهد مسیر آن را تغییر دهد؛ بنابراین، انتظار می‌رود چین به ترویج ائتلاف‌هایی چون «شانگهای» و «بریکس» به‌عنوان بدیل‌هایی برای نظام امنیتی و اقتصادی غرب ادامه دهد، اما در اصل و واقعیت، همچنان «ببری از کاغذ» باقی خواهد ماند.

چگونه باید ممالک مسلمان به این تحوّل‌ها واکنش نشان دهند؟

حاکمان مسلمان بی‌بصیرت می‌خواهند یا ما را تابع آمریکا یا چین سازند، یا موضع «بی‌طرفی بی‌جبهه» را بپذیرند. هر دو حالت محصول ذهنیت شکست‌خورده است. مسلمانان باید دریابند که از آمریکا و از چین هیچ خیری انتظار نمی‌رود؛ هر دو قدرت، قدرت‌هایی استعماری‌اند که در هدفِ سلطه و چپاول ثروت‌ها مشترکند. بر مسلمانان است که در پی برپا کردن خلافت باشند؛ خلافتی که با قدرت و توازن قوا با ابرقدرت‌ها تعامل کند و عضو هیچ ائتلاف به‌دست کفار، چه سازمان شانگهای باشد یا ناتو یا بریکس، نگردد. دولتِ خلافت راشده روابط خود را با سایر ملل بر مبنای اسلام برقرار خواهد کرد، نه بر پایه آنچه به‌عنوان «منافع ملی» خوانده می‌شود. باید عناصر مخلص در میان صف‌های سیاسی و طبقه حاکم امت، دیدگاه اسلامی را بپذیرند تا دولت اسلامی بار دیگر همان‌گونه که در گذشته پرافتخار ما حضور داشت، به صحنه بین‌المللی بازگردد.

این امر محقق نخواهد شد مگر اینکه اسلام از طریق دولتی در سطح جهانی عرضه شود؛ دولتی که جنایات ابرقدرت‌های معاصر را برملا سازد و جایگزینی الهی به بشر عرضه کند تا او را از بندِ بردگی رها سازد و عدالت را در سراسر زمین برقرار سازد. اللّه سبحانه‌وتعالی فرمود: «كُنتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ آمَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْراً لَّهُم مِّنْهُمُ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفَاسِقُونَ» «شما بهترین امتی بودید که برای مردم برانگیخته شدید: شما به معروف امر می‌کنید و از منکر بازمی‌دارید و به اللّه سبحانه‌وتعالی ایمان‌دارید؛ و اگر اهل کتاب ایمان می‌آوردند برایشان بهتر بود برخی از آنان مؤمن‌اند، اما بیشتر ایشان فاسق‌اند».

سینای مصر؛ میان امنیتِ مصر و طمعِ رژیم یهود!

استاد سعید فضل

از زمان آغاز جنگ رژیم یهود علیه غزه، سینا بار دیگر به صحنه بازگشته و به‌عنوان نقطه تلاقی آتش مطرح‌شده و هم‌زمان محل طمع‌ها و نگرانی‌ها گشته است. قاهره اعلام می‌کند که تقویت حضورش در شرق کانال برای حفاظت از امنیتِ ملی و جلوگیری از تروریسم و قاچاق است، درحالی‌که رژیم یهود آن را تهدیدی برای پُست امنیتی مندرج در معاهده کمپ دیوید می‌پندارد؛ اما در واقع همه این تحرکات در چارچوب احترام به کمپ دیوید و تحت سقف آن و با هماهنگی اشغالگران انجام می‌گیرد؛ چنان‌که رژیم مصر از طریق مسؤولان و رسانه‌هایش اعلان می‌کند. به‌گونه‌ای که ارتش مصر از نیرویی آماده نبرد با رژیم یهود و آزادسازی زمین، به نیرویی بدل می‌شود که از مرزهای رژیم یهود پاسداری می‌کند و در محاصره غزه با اشغالگران شریک می‌شود.

هنگامی‌که معاهده کمپ دیوید در سال ۱۹۷۹ امضا شد، سینا به مناطق امنیتی تقسیم گردید که نوع و میزان نیروها در هر منطقه را تعیین می‌کرد. مصر از آن زمان مرتباً تأکید کرده که به متن و روح معاهده متعهد است و هرگونه تقویت در سینا با هماهنگی رژیم یهود و تحت نظارت نیروی چندملیتی انجام می‌شود. حتی زمانی که مصر تانک‌ها یا سامانه‌های دفاعی وارد می‌کند، فوراً اعلام می‌نماید که موضوع هماهنگ است و اصل توافق را نقض نمی‌کند.

این التزام صرفاً شکلی نیست، بلکه واقعیتی سیاسی و ثابت است که مصر را در نگاه رژیم یهود همسایه‌ای امن جلوه می‌دهد که برایشان مرزهای آرامی تضمین می‌کند. تل‌آویو خوب می‌داند که آنچه به‌عنوان «تقویت‌های مصری» مطرح می‌شود در چارچوب حدود مجاز قرار دارد و عملاً علیهِ خود آن‌ها نیست، بلکه متوجهِ مردم سینا و ساکنان غزه است و آنچه واقعاً رژیم یهود را نگران می‌سازد احتمال عدم کنترل اوضاع در مصر در پی بحران‌های اقتصادی پی‌درپی و احتمال ظهور افراد مخلص از میان امت است که برای غرب و رژیم یهود خطرآفرین خواهند بود و در پی بیرون‌راندن آنان خواهند بود؛ از این‌رو حمایت آن‌ها از رژیم و سران آن و بقای آنان برای تل‌آویو امری حیاتی است.

قاهره بهانه می‌آورد که اقدامات شرق کانال دفاع از مرزها در برابر تروریسم و قاچاق است؛ لیکن هر ناظری می‌داند که خط خطر واقعی که حکومت آن را دستاویز ساخته چیزی جز غزه نیست. گذرگاه‌ها محاصره‌اند، تونل‌ها بسته شده‌اند، دیوار عایق کشیده شده و مناطق حایل در طول مرز با نوار غزه برپا گردیده، همه به‌بهانهٔ جلوگیری از قاچاق؛ درحالی‌که حقیقت این است که این‌ها راهِ خفه‌سازیِ مردم غزه و گرسنگی‌رساندن آنان است.

سینا به میدان جنگی باز شده علیه ساکنان خودش تبدیل‌شده است: کوچ اجباری، کشتار و بازداشت‌های مکرّر و «محاربهٔ تروریسم» به‌عنوان بهانه دائمی مطرح می‌شود؛ اما واقعیت این است که این سیاست‌ها به سود رژیم یهود تمام می‌شوند؛ چرا که مرز جنوبی او را محافظت می‌کنند و امنیت او را تضمین می‌نمایند، چنان‌که رأس رژیم صریحاً اعلام کرده که اجازه نخواهد داد سینا به سکوی پرتاب حملات علیه رژیم غاصب بدل شود؛ که این خود گواه آن است که هدف واقعی رژیم تأمین امنیت اشغالگر است، درحالی‌که می‌بایست سینا پایگاهی برای لشکرهای امت باشد تا سراسر فلسطین را آزاد سازند.

دولت غاصب می‌داند که سینا عمیق‌ترین عمق راهبردی‌اش است و اگر از بندهای کمپ دیوید آزاد شود و به پایگاهی برای ارتش مصر بدل گردد و ارتش به دست مخلصان بیفتد، دیگر برای بقای آن در فلسطین هیچ امان و امنیتی نخواهد بود. از این‌رو آن‌ها هر حرکتی در سینا را با دقت زیر نظر دارند و هر بار که تانکی حرکت کند یا سامانه دفاعی‌ای مستقر شود، ناله و اعتراض می‌کنند. خواست آن‌ها این است که سینا از سلاح‌های سنگین تهی بماند تا برتری ارتش خود را حفظ کنند و ارتش مصر را بسته و مقید نگاه دارند. ولی حقیقت آن است که مشکل تنها در طمع یهود نیست، بلکه در رژیمی است که دقیقاً آنچه را دشمن می‌خواهد، اجرا می‌کند و آن را به‌نام «امنیت ملی مصر» توجیه می‌نماید! امنیت نزد آن‌ها به معنی اولویتِ امنیتِ یهود است، حتی اگر بهای آن خونِ غزه و سینا باشد.

آنچه امروز در سینا می‌گذرد چیزی جز بخشی از فصل‌های وابستگی رژیم مصر به غرب و یهود نیست. قاهره شعار «امنیت ملی» سر می‌دهد درحالی‌که در واقع مرز دشمن امت را محافظت می‌کند و در محاصره مردم ما در غزه شریک است. دشمن جسارت طمعش را افزون می‌بیند زیرا می‌بیند که رژیم‌ها از او حفاظت می‌کنند به‌جای آن‌که با او بجنگند. روشن و بدیهی و واجب شرعی است که هیچ امنیتی برای مصر نیست مگر با امنیت فلسطین و هیچ ثباتی برای سینا نخواهد بود مگر آن‌که سینا پایگاه جهاد و آزادسازی باشد، نه پادگان حفاظت از دشمن.

کمپ دیوید بندی است که باید شکسته شود و ارتش مصر باید به وظیفه شرعی‌اش بازگردد: یاری مسلمانان و گسترش کلمه‌اللّه سبحانه‌وتعالی، نه حفاظت از یک موجود غاصب. «وَإِنِ اسْتَنصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ» «و اگر شما را در دین یاری طلبیدند، پس بر شماست که آنها را یاری کنید»؛ این آیه به‌تنهایی برای روشن‌ساختن حکم شرعی کافی است و اگر کسانی که طلب یاری می‌کنند همان اهل غزه باشند که زیرِ آتش و در محاصره‌اند، تکلیف شرعی چیست؟

ای‌ارتش مصر: شما اشخاصی صرف در یک تشکیلات نظامی نیستید؛ شما بخشی از امّتِ رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم هستید؛ صف مقدمی که باید به حرکت درآید، شمشیری که باید از نیام کشیده شود و پشت‌بندی که باید برای یاری ضعیفان در غزه و در سراسر فلسطین برپا گردد. برادرانتان آنجا ذبح می‌شوند، محاصره می‌شوند و نابود می‌گردند؛ و شما به آن‌ها از هر ارتشی نزدیک‌تر‌اید و تواناتر در شکستن قیدها، اگر بخواهید.

پس فریبِ دستورهایی را که دستان‌تان را می‌بندند نخورید و به «عقیده مبارزه» تهی از روح دچار نشوید؛ زیرا عقیده واقعی نبرد از قرآن سرچشمه می‌گیرد و این ارتش‌ها در اسلام برای محافظت از رژیم‌ها یا پاسداری از معاهداتِ ذلت‌آمیز پدید نیامده‌اند، بلکه برای پاسداری از امت، رساندن پیام اسلام به جهان، دفاع از دیارِ مسلمانان و ترساندن دشمن آنان شکل گرفته‌اند.

ای رزمندگانِ مصر: آیا وقت آن نرسیده که برای دین‌تان، برای خانواده‌تان، برای برادرانی که پیش دیدگان شما ناپدید و نابود می‌شوند، انتقام بگیرید؟ چشم‌هایتان را به حقیقت بگشایید... چه‌کسی شما را به‌عنوان نگهبان یک موجود غاصب که زمین اسلام را اشغال کرده است به‌کار گرفته؟ چه‌کسی شما را وادار می‌کند تا به مرزهای او ایمان آورید؟ چه‌کسی شما را از یاری غزه بازمی‌دارد؟ چه‌کسی شما را به سکوت درباره کشتارها امر می‌کند؟ چه‌کسی شما را از انجام فریضه‌ای که اللّه سبحانه‌وتعالی بر شما واجب ساخته محروم می‌سازد؟ همین نظام است که با دشمن هماهنگ می‌کند، بر کشتار سکوت می‌ورزد و حتی در حصار خانواده‌هایتان در فلسطین شریک است.

شما توانایی شکستن این معادله و وارونه‌کردن میز و یاری برادرانتان را دارید. کافی است که به حرکت درآیید، برای اللّه سبحانه‌وتعالی بیرون آیید، رضایت اللّه سبحانه‌وتعالی را بر هر رضایت دیگری مقدم دارید نه رضایت آمریکا و نه رضایت ائتلاف صهیونیستی. کافی است بگویید: ما خیانت نخواهیم کرد، سکوت نخواهیم نمود، دیگر نگهبان گذرگاه‌های ذلت و معاهده‌های ننگ و مرزهای استعمار نخواهیم ماند.

از سعد بن ابی‌وقاص و خالد بن الولید رضی‌اللّه‌عنهما و «سیف‌اللّه‌المسلول» الگو بگیرید، نه از فرماندهان کودتا و معاهدات کمپ دیوید. سلاح خود را امانت در گردن خویش بدانید که جز در برابر دشمن اللّه سبحانه‌وتعالی و دشمن امت برنخیزد.

امروز غزه شما را می‌خواند؛ آیا جوابی هست؟ امروز قدس شما را می‌خواند؛ آیا کسی نجات‌دهنده هست؟ امت چشم‌انتظار موقفی است که تاریخ آن را با خطوط افتخار ثبت کند، نه با لکه‌های ننگ.

ای سربازان کنانه، زمان شما فرارسیده؛ یا مردان تغییر و سازندگانِ پیروزی و حاملان لوای اسلام باشید، یا تاریخ شما را در صفحات خذلان به ثبت رساند.

ای اللّه سبحانه‌وتعالی، شاهد باش که ما تبلیغ و آگاهی دادیم؛ ای اللّه سبحانه‌وتعالی، تو گواه باش.

فرهنگ ناامیدی و دلسردی میان مسلمانان

استاد احمد الصوفی

حمد و سپاس اللّه سبحانه‌وتعالی را که جز به دین او عزتی نیست و زندگی کردن شایسته، ممکن نیست و درود و سلام بر آن‌که خضوع را جز برای اللّه سبحانه‌وتعالی یگانه حرام ساخت.

آنکه گفت «هیچ‌چیز طغیان‌گران را به اندازه بیداری ملّت‌ها نگران نمی‌کند» راست گفت و من اضافه می‌کنم: هیچ‌چیز به اندازه آگاهی و خوش‌بینی امیدآفرین در بیدار کردن ملّت‌ها سهیم نیست؛ از این‌رو مستعمره کننده کافر خیلی زود به این حقیقت محکم پی برد و از همان زمان به جنگ با این دو «شبهه» که همزمان خواب از چشمش می‌ربود پرداخت. اما در رابطه با آگاهی و بیداری امت، هجوم‌های فکری، بازنویسی برنامه‌های تربیتی، تولید برنامه‌های فرهنگی، ماموریت‌های رسانه‌ای و گروه‌های روشنفکری آغشته به فرهنگ غرب و دیگر اقداماتی که جنگ آنها هنوز ادامه دارد، به‌کار گرفته شد.

برای جنگی که هدفش شکستن روحیه‌ها، تلقین و تزریق فرهنگ شکست و کاشتن یأس و ناامیدی در میان جوانان بود، غرب از سربازانی بهره برد هم از نزدیک و هم از دور، از دشمن و از «دوست».

غرب امیدی ندارد که ملّت‌های مسلمان را در حالت خواب و رام نگه دارد، مگر آن‌که بتواند مردم را قانع کند که ما شایستگی پیروزی نداریم و تلاش و دعوت و مقاومت برای تغییر بی‌فایده است.

برای به دست آوردن این هدف و رساندن امّت به چنین پندّاری، کارهای عظیم و سنگینی لازم است.

غرب می‌داند که قرآن و سنّت و سرگذشت قهرمانان درخشان تاریخ پرافتخار ما تا چه حد در جان‌ها امید می‌پراکند و روح را برمی‌انگیزد؛ از همین‌رو همه توان خود را در سطوح گوناگون به‌کار گرفت تا فرهنگ شکست و دلسردی را در دل‌ها بپاشد.

من تنها سه نقش را ذکر خواهم کرد که خطرناک‌ترین و بیشترین نوع دامن زدن به فرهنگ یأس و ناامیدی و دلسردی را ایفاء می‌کنند:

۱ـ نقش روشنفکران و متفکران آغشته به فرهنگ غرب:

بخشی از اینان در جایگاه‌های حساسی مانند استادان مدارس و دانشگاه‌ها و کانون‌های فرهنگی و نظایر آن قرارگرفته‌اند. ایده‌ای که در میانشان رواج یافت این است که نسل مسلمان را تلقین کنند که امّت او از قافله توسعه و فرهنگ و مدرنیته عقب است و غرب پیشگام در همه عرصه‌هاست، چنان‌که نه می‌توان به آن رسید و نه از آن بی‌نیاز شد. این گفته‌ها مطرح می‌شود بی‌آنکه به نقش حکام گماشته‌شده غرب که به تفرقه‌افکنی و گروگان‌گیری دارایی‌ها و ثروت‌های کشورها پرداخته‌اند و شریعت را که منبع پیشرفت و تعالی است تعطیل کرده‌اند اشاره‌ای شود؛ و بی‌آنکه به نقش آنان در حمایت از فساد و سد راه قرار دادن اصلاح‌طلبان اشاره‌ای گردد. نتیجه این‌که دانش‌آموز فارغ‌التحصیل می‌شود درحالی‌که نسبت به امتش تنگ‌نظر و دلسرد است و حس کوچک‌بودن، عجز و تسلیم در برابر غرب و فرهنگش در او نشان داده‌شده است. پس تعجبی نیست اگر جوان از این پس تبدیل به انسان مأیوس و ناامید شود؛ شاید حتی اگر به او پیشنهادی برای اقدام در راه تغییر شود، به مخالفت برخیزد و آن را سد کند و دهها نمونه از عقب‌ماندگی امتش را شاهد آورد، نمونه‌هایی که در مدارس و دانشگاه‌ها به او تزریق‌شده است.

۲ـ نقش علما و خطبا: بی‌تردید علما و روحانیان بدسیرت بیشترین نقش را در پاشیدن بذر یأس و ناامیدی و تحریف فطرت مردم و قانع‌کردن آنان به این‌که شایسته پیروزی نیستند، داشته‌اند.

هرگاه مصیبتی بر مردم فرود آید یا بلایی بر ایشان نازل شود، دل‌نگرانان و درماندگان به سوی شیوخ و علما می‌گریزند؛ ولی گاهی درمی‌یابند که از آفتاب سوزان به آتش پناه برده‌اند یعنی به‌جای پناهگاه امید، با شیوخ ناامیدی روبه‌رو می‌شوند. اینان همان علمای شکست‌خورده‌اند؛ از نظر روحی نابودند و اسلام را به‌صورت تحریف‌شده و دور از هدایت نبوی آموخته‌اند. ناامیدی خود را در نفس‌های آن جوانان می‌دمند و همه مسؤولیت آنچه بر سرشان می‌آید بر دوش خود آنان می‌گذارند.

شما خیر در خود ندارید، شما شایستگی پیروزی را ندارید، امّت ما عقب‌افتاده و برای حکومت با احکام اسلامی مهیّا نیست، همه امت‌ها از شما بهترند، این نسلی که در آن هستیم نسل پیروزی نیست؛ باید نسلی دیگر تربیت شود بی‌آنکه کار تغییر انجام گیرد تا بهتر از این باشد، تغییر را ما نمی‌سازیم بلکه باید منتظر مهدی بمانیم، آنچه رخ می‌دهد به‌خاطر گناهان ماست (و این گفته‌ها بی‌آنکه به نقش حاکمان اشاره شود)، جز دعا کاری از دست ما ساخته نیست.

این خطابه مخرب پایان می‌یابد بی‌آنکه راه‌حل یا برنامه عملی ارائه کند، بی‌آنکه حکم شرعی نهضت کردن و اصلاح و تغییر این منکری را که در آن زندگی می‌کنیم روشن سازد؛ در حقیقت نوعی خود سرزنش امت است همان‌گونه که دشمنان انجام می‌دهند.

بدین‌سان، اشغال‌گر راحت و بی‌محابا جولان می‌دهد؛ مسلمانان یک فاجعه را پس از دیگری می‌شمارند درحالی‌که مصمم‌اند که نه توانی دارند و نه قدرت حتی برای دفاع از خود هرچند مهاجم ضعیف و ذلیل باشد.

۳ـ نقش رسانه‌های گمراه‌کننده: راست گفت آن‌که گفت: «رسانه ما، اعدام ماست.» وقتی رسانه مزدور و هدایت‌شده از سوی حکام شوم مأمور بزرگ‌نمایی قدرت دشمن و کوچک‌شمردن ظرفیت‌های امت می‌شود؛ وقتی رسانه مزّمها و اختلافات را مقدّس‌تر از خون برادران هم‌مرز جلوه می‌دهد؛ وقتی عیوب فکری و فاسقان و مروّجان گناه، یا «شیوخ دربار» به برنامه‌های تلویزیونی فراخوانده می‌شوند و ساعت‌ها برایشان وقت پخش اختصاص می‌یابد؛ و وقتی صفحات ما پر از برنامه‌های سرگرمی، لغو و چیزهای کم‌ارزش می‌گردد دیگر از من مپرسید که چرا حسّ مردم غایب شده، چرا احساس‌ها گرفته و چرا یأس همه‌گیر و درماندگی فراوان است. در برابر این وبای منتشر و همه‌گیر در میان صفوف مسلمانان می‌گویم:

بدانید که ما از امّتی هستیم که اللّه سبحانه‌وتعالی بر ما خواری را حرام کرده است؛ پس اللّه سبحانه‌وتعالی می‌فرماید: «وَلا تَهِنُوا وَلا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنْتُم مُؤْمِنِينَ» «سست و زبون نشوید و غمگین و افسرده نگردید و شما برتر هستید اگر که به راستی مؤمن باشید».

مبادا سست و اندوهگین شوید؛ اگر مؤمنید شما برتری دارید. ما فرزندان امّتی هستیم که اگر به‌گونه‌ای پندارد که اللّه سبحانه‌وتعالی یاری‌اش نخواهد کرد، اللّه سبحانه‌وتعالی بر او خشم می‌گیرد؛ چنان‌که آمده: «مَن كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لْيَقْطَعْ فَلْيَنظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ» «کسی که گمان می‌برد اللّه سبحانه‌وتعالی رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم را در دنیا و آخرت یاری نمی‌دهد و پیروز نمی‌گرداند؛ او ریسمانی به سقف‌خانه بیاویزد و سپس قطع نماید و ببیند آیا این کار خشم او را فرو می‌نشاند».

همچون کسی است که خود را به طناب حلق‌آویز کشد و بهترین مرگ را انتخاب کند. اللّه سبحانه‌وتعالی ما را از ناامیدی بازداشته و فرموده: «قَالَ وَمَن يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» «گفت: چه کسی است که از رحمت پروردگارش مأیوس شود، مگر گمراهان»؛ و نیز: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ أُولَئِكَ يَئِسُوا مِن رَّحْمَتِي وَأُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ» «کسانی که آیات اللّه سبحانه‌وتعالی و ملاقات او را باور ندارند، ایشان از رحمت من مأیوس می‌باشند و آنان عذاب دردناکی دارند».

حتی اللّه سبحانه‌وتعالی یأس را همراه با کفر قرار داده است: «إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَّوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» «چراکه از رحمت‌اللّه سبحانه‌وتعالی جز کافران ناامید نمی‌گردند».

امام فخر الرازی در تفسیر این آیه اشاره‌کرده است که شخص ناامید، اللّه سبحانه‌وتعالی را به بخل و ناتوانی و عدم احاطه بر امور متهم می‌کند و این پنداری باطل است و ما از آن برحذریم.

ای برادران و ای جوانان: یأس مانند سوزن بی‌حسی مسمومی است که تو را دچار فلجی می‌کند و اطرافت را از کار می‌اندازد. وقتی امت ما قانع شد که حکّامش تغییرناپذیرند، سال‌ها زیر آتش و ستم آنان سوخت؛ و آنگاه‌که پرده یأس کنار رفت و مردم بر اللّه سبحانه‌وتعالی و سپس بر توان خود توکل کردند، حکام را سرنگون ساختند و رئیس‌هایی را ریشه‌کن کردند که هیچ‌کس گمان نمی‌برد بدان‌ها دست یابد.

به درگاه اللّه سبحانه‌وتعالی سوگند ما همه ویژگی‌های گرفتن قدرت و احراز عزت را داریم: ایمان جامع، الگوی کامل، نیروی جوان پرپار، ثروت‌های عظیم، موقعیت راهبردی، مغزهای شایسته و نقشه راه روشن؛ سیره نبوی و تاریخ درخشان نیز پیش روست و از همه مهم‌تر بشارت‌های نزدیک.

در میان امّت ما و علی‌رغم هر مانع و سدّی، دعوتگران مخلص، حافظان ماهرو مجاهدان پایدار حضور دارند.

غرب هرگاه تحرک جدّی ببیند به لرزه می‌افتد و آرام نمی‌گیرد تا این امت بار دیگر زیر رهبری الهی متحد نشود. آنها با هراس آمار رشد گرایش به اسلام در غرب را می‌نگرند و هشدار می‌دهند که در چهار دهه آینده اسلام ممکن است دین اول جهان شود و این در حالی است که اکنون نه دولتی متحد، نه خلیفه‌ای و نه وحدت دارد پس اگر همه این‌ها محقق شود، وضع چگونه خواهد بود؟

ای جوانان: به اللّه سبحانه‌وتعالی اعتماد کنید، به امّت خود اعتماد کنید، به خود و قدرت‌تان در تغییر باور داشته باشید؛ یقین کنید که این نسل و نه غیر آن، نسل پیروزی است به شرط آن‌که به اللّه سبحانه‌وتعالی تمسک جویید و از مبلغان یأس و ناامیدی روی‌گردان باشید.

رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلّم خوش‌بین بود و می‌فرمود: «این امت را بشارت دهید به آسانی و گشایش، به جلال و سربلندی به‌واسطهٔ دین، به استقرار و تمکین در سرزمین‌ها و به نصرت» ما را به آسانی‌ها، نیرو و عزّت دینی، استقرار در سرزمین‌ها و نصرت مژده دهید. اگر ما بی‌اهمیت بودیم، چرا دشمن تا این اندازه با ما می‌جنگد؟ زیرا آنان دشمنی واقعی را می‌بینند و می‌دانند تنها چیزی که امّت ما را کم دارد، یک فرمانده الهی جامع است که صفوف را گرد آورد. پس به اللّه سبحانه‌وتعالی توکل کنید و با کسانی که برای آن روز کار می‌کنند همراه شوید؛ شاید اللّه سبحانه‌وتعالی با قدرت و اراده‌اش فجر آن روز را نزدیک گرداند.

ای مسلمانان، ای ارتش‌ها در بلاد مسلمان: شما نیازمند حاکمی هستید که از رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم سرمشق گیرد

شما به حاکمی نیاز دارید که در کردار و سیاست‌هایش از رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم الگو بگیرد و همان‌گونه عمل کند که صحابه کرام رضی‌اللّه‌عنهم و پیروان صالح‌شان عمل کردند؛ حاکمی که در مواضعش همچون ابوبکر و عمر رضی‌اللّه‌عنهما و همچون هارون الرّشید و المعتصم و صلاح‌الدین و بیبرس و قطز و عبدالحمید باشد. شما به حاکمی نیاز دارید که وقتی سخنی می‌گوید در گستره زمین طنین اندازد و دشمنان از آن بلرزند؛ سخنی که پس از آن عملی آید که وسوسه‌های شیطان و نقشه‌های دشمن را بی‌اثر سازد تا ترامپ‌ها و امثال آن جنایتکاران امروز نتوانند بر شما چنان کنند که اکنون می‌کنند، بلکه هزاران حساب پیش خلیفه شما بگذارند.

شما نیازمند خلافتی هستید که رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم بشارتش داد خلافت راشده دوم بر منهج نبوت؛ خلافتی که حزب‌التحریر برای برپایی آن کار می‌کند. پس بیایید با او همراه شوید و یاری‌اش کنید تا عزّت دنیا و رستگاری آخرت را به‌دست آورید؛ وگرنه اگر این‌چنین نکنید، حکام سست‌عنصر شما را به هلاکت خواهند کشاند و شما را تسلیم دشمنان‌تان خواهند ساخت. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر شما خداوند را یاری کنید، خداوند شما را یاری خواهد کرد و گام‌هایتان را استوار خواهد ساخت».

ادامه: واقعاً از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است که آزادی غزه و نابودی رژیم یهود به دست رزمندگان اسلام...

ترامپ را برای ریاست جشن می‌پذیرند و برای او دست می‌زنند و آن را «اتفاقی تاریخی بزرگ» می‌نامند؟! حال آنکه طرح او باعث تقویت یهود و گم‌شدن سرزمین مقدّس مسلمانان فلسطین می‌شود!! آیا حکام مسلمان چنین امور را به ترامپ و کافران استعمارگر واگذار می‌کنند؟! «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ» «بسیاری از آنان را می‌بینی که کافران را به دوستی و سرپرستی می‌گیرند و چه توشه بدی برای خود پیشاپیش می‌فرستند! توشه‌ای که موجب خشم اللّه سبحانه‌وتعالی و جاودانه در عذاب ماندن است».

ای ارتش‌ها در بلاد مسلمان:

صلیبیان وقتی از اروپا گرد آمدند به بلاد مسلمان تاختند و سال‌ها در بیت‌المقدس ماندند و در آنجا فساد می‌کردند و نبردی دائمی جریان داشت تا آنکه ارتش اسلام به‌رهبری صلاح‌الدین وارد میدان شد و آنان را در رخدادی که سزاوارشان بود شکست داد؛ سپس بیت‌المقدس را آزاد کرد و دشمنان را به کشتار و خواری واداشت و آنان را بیرون راند. مردم آن، پیروز و سرافراز بار دیگر با تکبیر بازگشتند.

آیا شما ای رزمندگان در ارتش‌های کشورهای مسلمان، ناتوان شده‌اید از آن‌که همچون پیشینیان ارتش اسلام عمل کنید تا غزه و سراسر فلسطین را با نابود کردن رژیم یهود، از اشغال رها کنید و مردم آن به عزت و پیروزی به خانه‌هایشان بازگردند و تکبیرهای پیروزی پیشاپیش آنان طنین‌انداز گردد؟؟

بله شما توانایی انجامش را دارید؛ شما «رژیم یهود» را همانند دستبندی که دور مچ را فرا گرفته احاطه کرده‌اید، اما به یک فرمانده مخلص و صادق نیاز دارید. آیا در میان شما چنین فرمانده‌ای نیست تا شما را به جنگ با دشمن‌تان رهبری کند، دشمنی که بر او ذلت و ناتوانی وارد شده است و در جنگ با شما پیروز نمی‌شود؛ «وَإِن يُقَاتِلُوكُمْ يُوَلُّوكُمُ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ» «اگر با شما بجنگند پشت کرده و پای به فرار می‌نهند، سپس یاری نمی‌شوند». سپس با آنان چنان بجنگید که از عقبشان پراکنده شوند؛ جمع شکست بخورد و پشت برگردانند.

پس آگاه باشید که شما توانایید؛ بر پروردگارتان توکل کنید، امور خود را سامان دهید و از کسانی باشید که اللّه سبحانه‌وتعالی در موردشان فرموده و آن‌ها درحالی‌که با دشمنان‌شان می‌جنگند می‌گویند: «قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسْنَيَيْنِ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَنْ يُصِيبَكُمُ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ أَوْ بِأَيْدِينَا فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُم مُّتَرَبِّصُونَ» «بگو: آیا دربارهی ما جز یکی از دو نیکی انتظار دارید؛ (پیروزی و غنیمت در دنیا و یا شهادت و بهشت در آخرت). ولی ما دربارهی شما چشم به راه هستیم که یا اللّه سبحانه‌وتعالی به عذابی از سوی خود گرفتارتان سازد و یا به دست ما (مذلّت و خواری نصیبتان سازد). پس شما چشم به راه (فرمان و خواست) اللّه سبحانه‌وتعالی باشید و ما هم با شما در انتظاریم».

اگر حاکمان، شما را از پیکار با دشمن‌تان باز دارند، پس آن‌ها را با هرگونه چیزکی که دارید بگیرید و یاری‌رسان اللّه سبحانه‌وتعالی شوید تا اللّه سبحانه‌وتعالی شما را یاری کند تا اهل غزه بلکه همه فلسطین به خانه‌هایشان بازگردند یاری‌شده و تکبیرگویان و در حال شکست دادن دشمن و ویران ساختن رژیم او، نه اینکه دوباره بازگردند و دشمن با پشتیبانی ترامپ و سستی حکّام نادان بر سر سرزمین مقدّس حکمرانی کند!

ای مسلمانان، ای ارتش‌ها در بلاد مسلمان: ما سخنانمان را که بارها به شما گفته‌ایم این‌گونه به پایان می‌بریم:

ما به نصرت‌اللّه سبحانه‌وتعالی و به عزت اسلام و مسلمین و به بازگشت خلافت راشده مجاهد و به خنگیدن یهود و کشتن آنان و به فتح روم همان‌گونه که قسطنطنیه فتح شد و دارالاسلام «استانبول» گردید، اطمینان داریم. ما به این اطمینان داریم حتی اگر کافران و منافقان بگویند: «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَن يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ» «آن زمانی را که منافقان و کسانی که در دلهایشان بیماری بود، می‌گفتند: اینان را آئینشان مغرور نموده و گول زده است. هرکس به اللّه سبحانه‌وتعالی توکل کند همانا که اللّه سبحانه‌وتعالی عزیز و حکیم است»؛ زیرا همه این‌ها از نصرت مسلمانان است و در وعده اللّه سبحانه‌وتعالی و بشارت رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم قرار دارد و به اذن اللّه سبحانه‌وتعالی محقق خواهد شد. لیکن سنت اللّه عزیز حکیم چنین اقتضا کرده که فرشتگانی از آسمان فرو نریزند تا برای ما خلافتی برپا کنند و وعده اللّه قوی عزیز و بشارت رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم را تحقق بخشند درحالی‌که ما بی‌حرکت و ساکن مانده‌ایم؛ بلکه فرشتگان به یاری ما خواهند آمد درحالی‌که ما با جدّ و تلاش و صداقت و اخلاص کار می‌کنیم. آنگاه اللّه سبحانه‌وتعالی نصرت را برای ما محقق خواهد ساخت و رستگاری در هر دو جهان را و آن رستگاری بزرگ چنین است: «وَيَوْمَئِذٍ يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ * بِنَصْرِ اللَّهِ يَنصُرُ مَن يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ» «در آن روز (که رومیان پیروز می‌گردند) مؤمنان شادمان می‌شوند * از یاری خدا. خدا هر کسی را که بخواهد یاری می‌دهد و او عزیز و رحیم است».

به این دعوت‌تان می‌کند حزب‌التحریری که اهلش در آن دروغ نگویند؛ ای رزمندگان در ارتش‌های مسلمان، شما را فرا می‌خواند: به عزت دنیا و آخرت قدم نهید؛ به نابودی «رژیم یهود» و بازگرداندن کامل سرزمین مقدّس به دیار اسلام شتاب ورزید. اللّه سبحانه‌وتعالی با شماست و اعمال‌تان را رها نخواهد کرد.

در بیستم ربیع‌الآخر ۱۴۴۷ هـ
۲۰۲۵/۱۰/۱۲ م
حزب‌التحریر

ادامه: رزمایش‌های نظامی برای توسعه نیروهای ما یا برای نفوذ در آن‌ها؟!

ادوات به‌کاررفته و نقاط ضعف افراد، تجهیزات و سازمان اداری را نشان می‌دهد. این رزمایش‌ها فرصت ایده‌آلی‌اند برای دیدار نزدیک با افسران و فرماندهان، برقراری دوستی با آن‌ها، شناخت خصوصیات و تمایلات و افکارشان و ایجاد کانال‌های ارتباط مستقیم با آن‌ها؛ همه این‌ها در راستای شناسایی کسانی که می‌توان با آنها نفوذ کرد و جذبشان نمود و نیز کسانی که برایشان خطرناک‌اند و باید حذف شوند.

این رزمایش‌ها گنجینه‌ای از اطلاعات ارزشمند برای دستگاه‌های اطلاعاتی خارجی‌اند که به آن‌ها امکان می‌دهد امروز را بفهمند که باید از اسرار نظامی کشورها باشند و با پرده‌های ضخیم محرمانگی پوشیده شوند؛ اما ما آن‌ها را با سهولت و تسهیلات در اختیارشان می‌گذاریم و به‌صورت دوره‌ای به‌روزرسانی داده‌هایشان را ممکن می‌سازیم؛ شاید حتی به تأمین مالی آن‌ها کمک کنیم تا بار مالی‌شان را سبک کنیم!

کشورهای ما تنها به‌خاطر کارآمدی و مهارت سازمان‌های اطلاعاتی خارجی تسخیر نشده‌اند، بلکه به‌خاطر این است که در کشور را بر روی آن‌ها گشوده‌ایم و حجاب دستگاه‌های حساس و راهبردی‌مان را پاره کرده، آن‌ها را روی سینی طلایی تقدیم‌شان کرده‌ایم تا هرطور خواستند از آن بهره برند و این جز به‌خاطر از دست‌دادن امام حافظ ما و سپر مدافعمان نیست؛ ما پی‌پناه شده‌ایم. رسول‌اللّه صلی‌اللّه‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «در حقیقت امام سپری است؛ از پشت او جنگیده می‌شود و به‌واسطه او محافظت می‌گردد». (متفق علیه)

تمرکزِ رژیم یهود در منطقه یکی از مهم‌ترین اهدافِ آمریکا

یکی از مهم‌ترین اهداف آمریکا تمرکز رژیم یهود در منطقه است، چون آن را پایگاه خود در منطقه و بازوی سلطه‌اش می‌داند که بی‌آنکه خود مستقیماً وارد جنگ‌های تمام‌عیار شود، به‌واسطه آن ضربه می زند تا نفوذش را تثبیت کند و مانع از آزادسازی امت و ازسرگیری خلافت موعود شود. آمریکا می‌خواهد از همه کشورهای اسلامی بخواهد که این وجود بیگانه با سرشت امت را بپذیرند، به وجودش رسمیت ببخشند و آن را «پروژه‌ای مشروع» قلمداد کنند و همه جنایات او در غصب سرزمینی اسلامی و سرزمینی که در آن اولین قبله و سومین حرم قرار دارد، فراموش کنند، در قبال وعده‌های واهی برپایی «دولت فلسطینی» بی‌سلاح؛ چیزی که دولت نیست و بیشتر شبیهِ خودگردانی محدود بر بخشی از بخشی از فلسطین است.

بر اساس این واقعیت، امیدی به این رژیم‌ها برای خیر امت نیست؛ باید نسبت به این حقیقت آگاه بود و برای تغییر این رژیم‌ها تلاش کرد، زیرا آن‌ها تسلیم دشمنان امت‌اند، در حلقه خدمت‌رسانی به ایشان و در حمایت و سکوت در برابر جنایات آنان نقش‌آفرینی می‌کنند.

عمل ضروری آن است که تلاش‌ها بر وحدت کشورهای اسلامی در چارچوب یک دولت واحد متمرکز شود که با قانون اللّه سبحانه‌وتعالی حکومت به‌آنچه اللّه سبحانه‌وتعالی نازل کرده، حکمرانی کند؛ تا بار دیگر همان قدرت بزرگ جهانی گردد که حدود سیزده قرن پیش بود، در برابر آمریکا بایستد و آن را از منطقه بیرون کند و فلسطین و کشمیر را از چنگ یهود و هندوها پاک سازد و نیز دیگر سرزمین‌های اشغال‌شده مسلمانان را طاهر سازد و مسلمانان را در همه‌جا نصرت بخشد، نه این‌که کشورها پراکنده بمانند و مسلمانان را با قراردادهای دروغین دفاعی یا اقتصادی یا به‌ظاهر «تقویتِ روابطِ دوجانبه» فریب دهند.

فراخوان به عادی‌سازی کامل با رژیم یهود خیانتِ آشکار به امت

در دوره اخیر رشته‌ای از اظهارات از سوی وزیر امور خارجه مصر، بدر عبدالعاطی، در جریان شرکتش در اجلاس‌های بین‌المللی منتشر شد؛ از جمله تأکید او بر «ضرورت اینکه اسرائیل در صلح زندگی کند و در منطقه ادغام شود» و «آمادگی کامل برای عادی‌سازی با اسرائیل» همراه با سعودی و دیگر کشورها و نیز گفته او که «تنها راه‌حل آینده در برپایی دولتی فلسطینی بدون سلاح است که در صلح با اسرائیل زیست کند»... این اظهارات به‌روشنی راهی را که نظام‌های حاکم در بلاد مسلمان در پیش گرفته‌اند نشان می‌دهد: رویکرد عادی‌سازی کامل با این «رژیم غاصب» و حتی تلاش برای تأمین و ادغام آن در منطقه، امری که در جهت پروژه استعماری غرب است.

تعلیق: اظهارات وزیر امور خارجه مصر، بدر عبدالعاطی، چه درباره «ادغام» و چه درباره «عادی‌سازی کامل» یا «دولت عاری از سلاح»، مواضعی فردی نیست؛ بلکه بیان صریح سیاست رژیم‌های عربی وابسته به غرب است که در پی تسویه مسئله فلسطین‌اند و نیز نشان‌دهنده گسستِ این رژیم‌ها از عقیده امت و احساس مردم است. این «رژیم غاصب» جسدی زهرآگین است کاشته‌شده در تنِ امت؛ نمی‌توان با آن همزیستی کرد یا آن را ادغام نمود، بلکه باید از ریشه کند و راند.

مترجم

پشت پرده تهدید ترامپ به بازپس‌گیری پایگاه بگرام چیست؟

استاد یوسف ارسلان

در هفته‌های اخیر، دونالد ترامپ چندین بار از احتمال بازپس‌گیری پایگاه هوایی بگرام سخن گفته و سلسله‌ای از هشدارها را منتشر کرده است. او در سپتامبر در شبکه خود، «تروث سوشیال»، نوشت: «اگر افغانستان پایگاه بگرام را به سازندگانش یعنی ایالات‌متحده بازنگرداند، اتفاقات بدی رخ خواهد داد».

سیاست کنونی آمریکا در قبال افغانستان فاقد یک راهبرد نهایی و مدون است و تاکنون بر پایه سیاست «چماق و هویج» یعنی ترکیب تهدید و تطمیع استوار بوده است. با روی کار آمدن دولت ترامپ، وجه فشار و تهدید غلبه یافته است. بااین‌حال، شواهد نشان می‌دهد واشنگتن اکنون بر سه هدف اصلی تمرکز دارد:

۱ـ پایبندی طالبان به تعهدات توافق‌نامه دوحه و خودداری از تهدید منافع آمریکا و متحدانش؛

۲ـ آزادی شهروندان آمریکایی بازداشت‌شده یا گروگان؛

۳ـ همکاری اطلاعاتی و امنیتی طالبان با آمریکا در مقابله با تروریسم.

علت نبود یک استراتژی نهایی نیز روشن است. در نشست شورای امنیت درباره افغانستان، نماینده آمریکا اعلام کرد که «سیاست واشنگتن در قبال افغانستان در حال بازنگری است.» همچنین «الیزابت استاکنی»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا، در گفت‌وگو با صدای آمریکا تأکید کرد که اولویت‌های واشنگتن در افغانستان عبارت‌اند از: حفاظت از آمریکاییان و صیانت از امنیت ملی ایالات متحده.

ترامپ پیش‌تر هم درباره بگرام اظهارنظر کرده بود، اما آنچه تهدید اخیر او را از سخنان گذشته‌اش متمایز می‌کند، شدت و زمان‌بندی آن است. به نظر می‌رسد این تشدید لحن به‌ویژه با سرسختی رهبران طالبان در برابر برخی خواسته‌های واشنگتن، به‌ویژه در موضوع آزادی گروگان‌ها، مرتبط است. پس از آن‌که ترامپ فرمان اجرایی تازه‌ای صادر کرد که به وزارت خارجه آمریکا اختیار می‌دهد کشورهایی را که شهروندان آمریکایی را «ناعادلانه بازداشت می‌کنند» شناسایی و مجازات کند، هیئتی آمریکایی به کابل اعزام شد که در آن «زلمی خلیل‌زاد» و «آدم بوهلر» (نماینده ویژه امور گروگان‌ها) حضور داشتند. مأموریت هیئت، مذاکره برای آزادی برخی گروگان‌ها بود؛ اما گفت‌وگوها بی‌نتیجه ماند. در پی این ناکامی، ترامپ، طالبان را تهدید کرد که پایگاه بگرام را بازخواهد گرفت. خلیل‌زاد نیز در ۲۱ سپتامبر در حساب کاربری خود در ایکس (توییتر سابق) نوشت: «حتی اگر بتوانیم مسئله زندانیان و گروگان‌ها میان ایالات‌متحده و طالبان را حل کنیم، باز هم مراحل و موضوعات دیگری باقی خواهد ماند که باید بر سر آن‌ها توافق شود».

بااین‌حال، آمریکا دست به بازپس‌گیری و اشغال دوباره این پایگاه نخواهد زد. راهبرد فعلی واشینگتن بر رقابت استراتژیک با چین مبتنی است؛ ازاین‌رو در سال‌های اخیر اولویت سیاست خارجی‌اش از مبارزه صرف با تروریسم به رقابت با چین نیز منتقل‌شده و این امر به خروج نیروهایش از عراق و افغانستان انجامیده است؛ بنابراین احتمال بازگشت کامل و اشغال گسترده مواضعی مانند بگرام کم به‌زحمت قابل‌تصور است، زیرا چنین اقدامی عملاً حمله و اشغال جدیدی به‌حساب خواهد آمد.

تهدیدهای اخیر ترامپ درباره بگرام را می‌توان به‌عنوان بخشی از سیاست فشار دید که پیام‌هایی تلویحی به چین و روسیه می‌فرستد. از همین رو، این بار پکن و مسکو با واکنش‌هایی جدی مواجه شدند ازجمله دعوت پکن از ملا یعقوب مجاهد، وزیر دفاع افغانستان. با مطرح‌کردن مسئله بازپس‌گیری یا فشار بر مکان‌های مشخص، ترامپ طالبان را به مذاکره بر سر برخی خواسته‌های آمریکا فراخواند؛ و اگر رهبری طالبان پاسخ ندهد ممکن است واشینگتن به اجرای ضرباتی نظامی علیه مواضعی در داخل افغانستان اقدام کند و آن نه لزوماً با هدف اشغال دائمی، بلکه برای اعمال فشار.

این حملات ممکن است یکی از دو هدف را دنبال کند: یا نابودی تأسیسات و تجهیزات بگرام زیرا یکی از نگرانی‌های اصلی این است که سلاح‌ها و تجهیزات آمریکایی نباید به دست طالبان افتاده باشند یا هدف‌گرفتن شخصیت‌ها و رهبران مشخصی از طالبان، به‌ویژه کسانی که واشینگتن آنان را تندرو یا اصول‌گرا می‌داند و وجودشان را مانعی برای منافع و تعاملات خود می‌شمارد.

این سرنوشت دولتی نوپا است که می‌کوشد اسلام را در چارچوب دولت‌ـ ملت به‌کار بندد: اگر تسلیم خواست‌های غرب نشود، یا تهدید به مرگ می‌گردد و یا میدان کشمکش میان قدرت‌های بزرگ خواهد شد. خواست ترامپ ریشه در غرور صریح دارد و تهدیدی آشکار به بازگشت اشغالگری است، درحالی‌که حکومت طالبان بر دیپلماسی دولت‌ـ ملی پافشاری می‌کند و با احتیاط پاسخ می‌دهد؛ اما پاسخ در برابر این تکبّر، جهاد سازمان‌یافته در قالب ارتشی منظم است؛ یعنی شکستن بند تکبّر تنها با برپایی خلافت محقق می‌شود، زیرا در سرزمین‌های مسلمانان تصمیم‌گیرنده تنها اسلام است و کشورها باید در خدمت عزّت اسلام قرار گیرند و این جز با برپاییِ خلافتِ راشده دوم بر منهج نبوی ممکن نیست.

آمریکا و تشدیدِ تنش میان جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها

دولت ترامپ چنان‌که «کریستی نُونم» وزیر امنیت داخلی در گفت‌وگو با شبکه «فاکس‌نیوز» در تاریخ ۵ اکتبر ۲۰۲۵ اظهار داشت: شهر شیکاگو را که پایگاه اصلی دموکرات‌ها به‌شمار می‌رود، «منطقه جنگی» توصیف کرد. او درباره شهردار دموکرات این شهر، «براندن جانسون»، گفت: «شهرش منطقه‌ای جنگ‌زده است و او دروغ می‌گوید تا جنایتکارانی را که راه‌های معاش مردم را ویران می‌کنند به داخل آن بیاورد».

ترامپ در ۴ اکتبر ۲۰۲۵ فرمانی صادر کرد مبنی بر اعزام ۳۰۰ نیروی گارد ملی به شیکاگو، ایالت ایلینوی، برای حفاظت از نیروها و اماکن فدرال. «دیک دوربین»، سناتور نماینده آن ایالت در سنا، در واکنش گفت: «رئیس‌جمهور به‌دنبال مبارزه با جرم نیست، بلکه در پی گسترش ترس است». شیکاگو پنجمین شهری است که تحت اداره دموکرات‌ها قرار دارد و ترامپ دستور استقرار گارد ملی در آن را صادر کرده است، پس از شهرهای لس‌آنجلس، واشینگتن، ممفیس و پورتلند. او حتی خواستار زندانی‌کردنِ شهردار شیکاگو و فرماندار ایلینوی شد، زیرا با اعزام ارتش مخالفت کرده‌اند.

حمایت یا مخالفت با تصمیم ترامپ نیز به‌روشنی بر مبنای حزبی تقسیم شد؛ ۲۳ ایالتی که در دست جمهوری‌خواهان است از این تصمیم حمایت کردند، درحالی‌که ۲۲ ایالت تحت کنترل دموکرات‌ها آن را رد کردند.

تعلیق: این رخداد نشان‌دهنده شدت‌یافتن درگیری میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان است؛ اختلافی که پیش‌تر در چنین سطحی وجود نداشت، چراکه هر دو حزب به‌صورت نوبتی کشور را اداره می‌کردند و تنها در شیوه اجرای سیاست‌ها تفاوت داشتند. وضعیت کنونی نشانه‌ای است از عمق شکاف و چنددستگی در ایالات‌متحده که می‌تواند وحدت آن را سست و جنبش‌های جدایی‌طلبی را شعله‌ور کند و این از نشانه‌های فروپاشی و سقوط تدریجی آمریکاست و شاید این فروپاشی، به‌اذنِ اللّه سبحانه‌وتعالی، به‌دستِ خلافتِ راشده دوم بر منهجِ نبوت رقم بخورد که برپاییِ آن نزدیک است.

ای شریفان و مخلصان در ارتش‌های مسلمان!

دشمنان خون ما را سبک شمرده‌اند، پس از آن‌که تسلیم و خواری حکّام‌مان را تضمین کردند و توان آن‌ها در به‌کارانداختن تانک‌ها را از بین برده‌اند. تانک‌ها را در خندق‌هایشان رها کردند تا زنگ‌زدگی آن‌ها را بخورد و تجهیزات و سلاح‌ها را در صندوق‌ها نگه‌داشتند بی‌آنکه دست‌کم آن‌ها را به‌کار گیرند، درحالی‌که امت برای ساختن ارتش‌هایش هر چه داشت فدا کرده و آماده است دوباره آنچه را لازم است بذل کند: جان‌ها و اموالش را در راهِ برخاست شما فداکرد تا نبرد کنید و از این خفت و رکوع در برابر کسانی که تاریخ را تنها از منظر کوچک‌منشی و کینه‌شان می‌شناسند بیرون آیید.

ای شریفان از افسران و سربازان: تنها شما توان آن را دارید که سینه امت را از آنچه از دشمنانش و دشمنان دین‌تان می‌آزارند شفا بخشید. تنها شما می‌توانید توطئه‌ای را که بر سر سرزمین معراج و محترم‌مان بافته‌شده خنثی کنید. به‌واسطه حرکت شماست که فلسطین آزاد می‌شود، یهود به عقب رانده می‌شود و بینی آمریکای متکبّر جهادستیز شکسته می‌گردد.

زمان به سود شماست تا پشت توطئه‌گران را بشکنید و نقشه‌هایشان را برآب کنید که می‌خواهند زمین فلسطین را به‌عنوان حقی برای یهود تثبیت کنند و بر بخشی ناچیز کمتر از بیست درصد حکومتی ناقص که آن را «دولتِ فلسطینی» می‌نامند بنیان نهند؛ دستاوردی که افزون بر ضعیف‌کردن امت، قطعات تن آن را به‌وسیله خطوط مرزی ساختگی که خود کشیده‌اند متلاشی می‌سازد تا تسلط منفرد هر سرزمین بر آن آسان گردد.

ایستادگی شما اکنون، پیش از تکمیل توطئه آن‌ها، نزدِ اللّه سبحانه‌وتعالی برایتان به ثبت خواهد رسید پیش از آن‌که نزد امت ثبت شود؛ ثبت‌نامه‌ای معطر و با حروفی زرین که برای نسل‌های آینده چراغ راه خواهد بود.

امت از شما، ای شریفان، امید دارد که پاسخ ندایش را بدهید؛ شما آن کسانی نیستید که سرنوشتِ این امتِ اصیل را در دستِ دشمنانش بگذارند.

دلار و سیاست پولی آمریکا؛ میان سلطه گذشته و چالش‌های آینده

استاد سامر دهشه (ابو عمر)

از پایان جنگ جهانی دوم، دلار آمریکا جایگاه ارز ذخیره نخست جهان را به خود اختصاص داد و نامش با پایه‌گذاری نظام مالی بین‌المللی بر اساس معیارهای توافق «برتون وودز» گره خورد. ایالات‌متحده در اوایل دهه هفتاد میلادی تکیه بر این توافق را کنار گذاشت و سازوکاری تازه پدید آورد که بعدها «پترو-دلار» نام گرفت؛ یعنی پیوند تجارت جهانی نفت با دلار. این ابتکار باعث تداوم تقاضای جهانی برای دلار شد و موقعیت آن را به‌عنوان ارز اصلی تسویه‌های بین‌المللی استحکام بخشید.

با این حال، این جایگاه از فشارها مصون نمانده است؛ گسترش شدید هزینه‌های دولت و تورم بدهی عمومی که در سال ۲۰۲۴ از مرز ۳۴ تریلیون دلار گذشت نگرانی‌ها را از شکنندگی پایداری این الگو افزایش داده است. بنا بر داده‌های رسمی، بدهی عمومی اکنون از تولید ناخالص داخلی فراتر رفته است؛ چنان‌که پایگاه داده وزارت خزانه‌داری آمریکا نشان می‌دهد میانگین تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۴ حدود ۲۸/۸۳ تریلیون دلار بوده، درحالی‌که بدهی کل به ۳۵/۴۶ تریلیون دلار رسیده است؛ یعنی نسبت بدهی به درآمد ملی حدود ۱۲۳٪.

نظام مالی جهانی بارها محدودیت‌های اتکای بیش‌ازحد خود به دلار را آشکار کرده است. برای نمونه، بحران مالی جهانی سال ۲۰۰۸ شکنندگی بازارها را نمایان ساخت و فدرال رزرو را واداشت تا خطوط مبادله ارزی «SwapLines» را با بانک‌های مرکزی اروپا و آسیا فعال کند تا نقدینگی دلاری فوری تأمین شود و فروپاشی نظام بانکی بین‌المللی مهار گردد. (فدرال رزرو، ۲۰۰۹) همین اقدام در دوران همه‌گیری کرونا در سال ۲۰۲۰ تکرار شد، هنگامی‌که فدرال رزرو بار دیگر این سازوکار را فعال کرد و از طریق بیش از ۱۴ بانک مرکزی در جهان تزریق نقدینگی انجام داد. (صندوق بین‌المللی پول، ۲۰۲۰)

در مقابل، ایالات‌متحده امروز می‌کوشد با سه محور اساسی، انعطاف‌پذیری نظام پولی خود را تقویت کند:

۱ـ خطوط مبادله ارزی (Swap Lines): این ابزار به یکی از ابزارهای راهبردی سیاست پولی بین‌المللی بدل شده است؛ نه‌تنها برای حفاظت از اقتصاد آمریکا، بلکه برای حفظ جایگاه دلار به‌عنوان پناهگاه نهایی نقدینگی در جهان.

۲ـ تشویق برخی شرکای تجاری به مبادله با ارزهای محلی خود: هرچند این گرایش تا حدی از فشار تقاضای مستقیم بر دلار می‌کاهد، اما همچنان زیر چتر نفوذ واشینگتن باقی است و جایگاه دلار را عملاً تهدید نمی‌کند؛ به‌ویژه آن‌که تا سال ۲۰۲۳، ۵۸ درصد از ذخایر ارزی جهان هنوز به دلار نگهداری می‌شد. (IMF COFER, ۲۰۲۳).

۳ـ کار بر روی توسعه دلار دیجیتال (CBDC): درشرایطی که چین با سرعت در حال گسترش «یوان دیجیتال» است و اتحادیه اروپا نیز «یورو دیجیتال» را می‌آزماید، آمریکا نمی‌تواند از خطرات ناشی از تأخیر در رقابت ارزهای دیجیتال حاکمیتی غافل بماند. فدرال رزرو هم‌اکنون در حال بررسی انتشار «دلار دیجیتال» است تا برتری آمریکا را در اقتصاد دیجیتال جهانی حفظ کند. (منبع: فدرال رزرو، ۲۰۲۲)

جایگزین بنیادی:

برخی اندیشمندان و اقتصاددانان معتقدند راهِ رهایی واقعی از چرخه بحران‌های مالی و کاهش اعتماد به ارزش دلار کاغذی، بازگشت به پایه طلا و نقره در سطح جهانی است؛ یعنی پیوند دوباره ارزها با پشتوانه واقعی، چنان‌که در دوره‌های طولانی از تاریخ اقتصادی رایج بود. این نظام، ثبات نسبی در ارزش ارزهای جهانی ایجاد می‌کرد و جلوی تورم پولی که از عوامل اصلی بحران‌ها و فروپاشی‌های مالی است را می‌گرفت.

فقدان پایه طلا و نقره پس از دهه هفتاد میلادی، راه را برای گسترش بی‌ضابطه چاپ پول گشود؛ امری که اقتصاد جهانی را در معرض رکودهای متناوب و انفجارهای مالیِ پیاپی قرارداد.

این تحولات نشان می‌دهد که واشینگتن به‌خوبی دریافته است سلطه دلار تقدیر محتوم نیست، بلکه نیازمند بازتولیدی مداوم است که با تغییرات ژئوپلیتیکی و فناوری‌های نوین هماهنگ باشد. با وجود تعدد ابتکارهای بین‌المللی برای کاهش اتکا به دلار از جمله توافقات گروه «بریکس» برای تجارت با ارزهای محلی و گسترش دامنه استفاده از «یوان چین» نظام مالی جهانی در وضعیت کنونی هنوز از داشتن جایگزینی برخوردار نیست که بتواند در عمق، نقدشوندگی و اعتماد نهادی با دلار رقابت کند.

حزب‌التحریر / ولایت سودان؛ در خرطوم خطابه‌های سیاسی برگزار کرد

در چارچوب کارزار خود برای ناکام گذاشتن طرح تکه‌تکه‌کردن سودان با جداسازی دارفور، جوانان حزب‌التحریر در ولایت سودان، صبح شنبه ۴ اکتبر ۲۰۲۵ م، در منطقه بازار الدخینات پرجمعیت خرطوم، یک خطابه سیاسی برگزار کردند.

در این نشست، شیخ عبدالفتاح أحمد، عضو حزب‌التحریر، سخن گفت و با آیات و احادیثی که بر وحدت امت اسلامی و وحدت دولت اسلام تأکید دارند، آغاز کرد و خاطرنشان ساخت که اسلام بر قتل کسی که بخواهد وحدت امت را بشکافد و جماعت آن را پراکنده سازد و وحدت آن را بدرد تأکید دارد. او گفت: هنگامی‌که دشمن کافر بر وحدت امت و دولت آن دسیسه می‌چیند و درصدد پاره‌پاره‌سازی آن است، لازم است مسلمانان این مسئله را مسئله‌ای حیاتی بدانند و در قبال آن اقدام «زندگی یا مرگ» اتخاذ کنند.

شیخ أحمد حرمت این طرح را توضیح داد و مردم کشور را به ایستادگی قاطع برای مقابله با آن فراخواند و تأکید کرد که آنان توان انجام این کار را دارند تا دارفور همانند جنوب (که جدا شد) نشود. وی از صادقان صاحب قدرت و توان خواست که از وحدت کشور حفاظت کنند، زیرا اللّه سبحانه‌وتعالی از آنان درباره این امر محاسبه خواهد کرد. همچنین از مردم خواست دست خود را در دست حزب‌التحریر بگذارند برای برپاییِ خلافت راشده که دستِ آمریکا و غربِ کافر را از به‌هم‌زدن امور امت بازمی‌دارد.

حزب همچنین در بازار الوحدة (سوق ۶) در محلیه شرق النیل خرطوم یک خطابه عمومی برگزار کرد که در آن استاد عمر حسن، عضو حزب‌التحریر، درباره وحدت امت به‌عنوان مسئله‌ای حیاتی سخن گفت. او سخن خود را با آیه شریفه آغاز کرد: «واعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا» «و به ریسمان اللّه سبحانه‌وتعالی همه با هم چنگ زنید و پراکنده مشوید».

او سپس دلالت آیه را شرح داد و یادآور شد که امت اسلامی زمانی به ریسمان اللّه سبحانه‌وتعالی چنگ‌زده بود تا آن‌که کافر مستعمر آمد و خلافت را برانداخت و بلادِ مسلمانان را به دولتی‌های کوچک تقسیم کرد و هنوز هم بر امت مکر می‌کند و آن را فرو می‌پاشد؛ او جنوب سودان را جدا ساخت و سایر ایالات را برای جدایی آماده نمود و اکنون آمریکا در پی جدایی ایالت دارفور است. وی خاطرنشان ساخت که «حکومت تأسیس» تنها گامی در مسیر تکه‌تکه‌کردن کشور به‌وسیله جدا کردن دارفور است.

در ادامه او امت را فراخواند تا مسئولیت خویش را برای انجام واجب برعهده گیرند و به‌طور جدّی تلاش کنند تا از جدایی دارفور همچون جداشدن جنوب سودان جلوگیری کنند. حضار نیز با خطابه واکنش نشان دادند و مشارکت و همراهی کردند.

شرکت‌هایی در بازارِ مصر که از شهرک‌های یهود حمایت می‌کنند

وب‌سایت «نافذة مصر» روز شنبه ۲۰۲۵/۱۰/۰۴ خبر داد که مکتب عالی حقوق بشر در اواخر سپتامبر ۲۰۲۵ به‌ورزرسانی‌ای از پایگاه‌داده شرکت‌هایی منتشر کرده که در فعالیت‌های اقتصادی داخل شهرک‌های غیرقانونی در کرانه باختری و قدس شرقی دخیل‌اند، شهرک‌هایی که بر زمین‌های غصب‌شده فلسطینیان برپا شده‌اند. این به‌ورزرسانی شامل ۱۵۸ شرکت بود که در میان آن‌ها شش شرکت بزرگ با حضور تجاری آشکار در بازار مصر نیز ثبت شده‌اند: Airbnb، Booking.com، Expedia، TripAdvisor، JCB Motorola Solutions.

تعلیق: هرگونه حمایت اقتصادی، سیاسی یا امنیتی از دشمن، بندگی و پیروی زشت و مشارکت عملی در جنگ او علیه مسلمانان است؛ از این‌رو بر امت واجب است که برای برپاییِ نظام اسلامی تلاش کند تا این بندگی را ریشه‌کن سازد و توان‌های خود را در مواجهه با دشمنان متمرکز نماید، نه در خدمت ایشان.

وجود شرکت‌هایی که از شهرک‌ها حمایت می‌کنند در بازار مصری، قراردادهای گازی با رژیم یهود و تأمین مواد غذایی و انرژی برای آن رژیم، همه مصادیقی از پشتیبانی مستقیم از دشمن متهاجم‌اند و مخالفتی صریح با احکام شرعی به‌شمار می‌آیند. این موضوع نشان‌دهنده واقعیتی است از وابستگیِ سیاسی و اقتصادی که باید به‌طور ریشه‌ای تغییر یابد.

واجب است که امت با قاطعیت این واقعیت را رد کند و برای پایان‌دادن به همه اشکال حمایت و همکاری با این «رژیم غاصب» اقدام نماید نه تنها با تحریم فردی، بلکه با پیگیری حساب‌کشی جدّی، تغییر رژیمی که این وابستگی را پدید آورده و تضمینش می‌کند و برپاییِ حاکمیتِ اسلام که امت را از بندِ وابستگی رها سازد و برادرانِ ما در فلسطین را به‌طور عملی یاری دهد.